



کمیسیون مستقل حقوق بشراڤغانستان

حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

گِرد آورنده: عبدالاحد فرزام

تاریخ: جدی ۱۳۹۳

فهرست

۱	فهرست
۱	مقدمه
۲	فصل اول
۲	کلیات و مفاهیم
۲	مبحث اول: حقوق بشر
۲	گفتار اول: تعریف حقوق بشر
۳	گفتار دوم: اسناد بین المللی حقوق بشر
۸	مبحث دوم: حقوق بین المللی بشر دوستانه
۹	گفتار اول: تعریف حقوق بشر دوستانه بین المللی
۱۳	گفتار دوم: اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر دوستانه
۱۶	فصل دوم
۱۶	رابطه حقوق بشر با حقوق بشر دوستانه
۱۶	مبحث اول: مشترکات حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه
۱۹	مبحث دوم: تفاوت های حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه
۲۰	نتیجه گیری
۲۱	منابع

مقدمه

رابطه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه یکی از موضوعات مهمی است که نیاز به بحث و بررسی بیشتر دارد. اهمیت این بحث در کشورهای پسامنازه و درگیری منازعه ای مثل افغانستان که سابقه نقض گسترده حقوق بشر دارد و همه روزه شاهد موارد نقض حقوق بشردوستانه بین المللی است، از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد.

امروزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دو نظام حقوقی مجزا تلقی می شود که دارای ریشه ها، مبانی و زمینه های مشابه و در عین حال متفاوت می باشند، اما مکمل هم بوده و هرچه وجوه مشترک و مکمل هم بودن این دو بیشتر روشن و تصریح شود، به همان میزان زمینه های رعایت این دو نظام حقوقی در کنار هم و حمایت این دو نظام از همدیگر، بیشتر فراهم می شود.

در مقاله حاضر - که بیشتر یک نوشته معلوماتی-تحقیقی است و مطالب مرتبط در آن گرد آوری شده است - سعی شده که تأثیر متقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در امر حمایت از حقوق و آزادی های اساسی فرد انسان تبیین و تشریح شود تا زمینه های عملی تطبیق و رعایت این دو، در کنار هم، سنجیده شده و آرام آرام با تغییر ذهنیت ها، فراهم گردد.

در گرد آوری مطالب این مقاله تحقیقی، از منابع معتبر علمی، اسناد و میثاق های بین المللی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه استفاده شده و سعی شده است که معلومات تازه و قابل اعتماد در این متن شامل گردد.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

فصل اول تحقیق حاضر به مباحث کلی و تعریف دو مفهوم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اختصاص یافته است. از آنجائیکه درک دقیق و فهم عمیق از رابطه این دو، بستگی به فهم دقیق تر از هر کدام از مفاهیم متذکره دارد، سعی شده است که در فصل اول تحقیق حاضر این دو مفهوم به بررسی گرفته شود تا مدخلی برای بررسی موضوع اصلی این تحقیق باشد.

مبحث اول: حقوق بشر

از حقوق بشر مثل سایر مفاهیم مربوط به علوم اجتماعی تعاریف متعددی وجود دارد و هر کس متناسب با سطح درک خود از حقوق بشر، تعاریفی متفاوتی را ارائه کرده اند. در این قسمت سعی شده است که یک تعارف جامع تر و مانع تر از میان تعاریف زیادی که در این عرصه وجود دارد، شامل متن حاضر گردد.

گفتار اول: تعریف حقوق بشر

حقوق بشر، مجموعه حقوقی است که هر فرد به صرف انسان بودن واجد آن است و آنرا انسانها از آن جهت که انسان اند، دارا هستند.^۱ به تعبیر دیگر حقوق بشر از زمره حقوقی است که هرکسی از آن حیث که انسان است، از آن برخوردار می شود. همه انسانها در حقوق بشر سهیم اند، صرف نظر از حقوق و تکلیفی که یک فرد ممکن است به عنوان شهروند، عضو خانواده، کارگر یا عضو سازمان، یا انجمن خصوصی و عمومی داشته باشد. اگر همه انسانها به این دلیل که انسان تلقی می شوند از این حقوق برخوردارند، حقوق بشر نسبت به همه بالسویه است و به این دلیل که انسان بودن را نمی توان انکار کرد، از بین برد یا سلب نمود، بالمآل حقوق انسان نیز غیر قابل سلب است. در این معنی حتی خون آشامترین شکنجه گران و تحقیر شده ترین قربانیان نیز انسان اند. هرچند که در عمل همه افراد از همه حقوق انسانی خود بهره نمی برند، بماند

^۱. مایکل فریمن، حقوق بشر، مترجم: محمد کیوانفر، نشر هرمس، چاپ اول ۱۳۸۷، ص ۳۳

که آنها را به نحو یکسان مورد بهره برداری قرار دهند، مع الوصف همه انسانها حقوق انسانی واحدی دارند و از این حقوق به گونه برابر و غیر قابل سلب برخوردار هستند.^۲

بنابراین حقوق بشر شامل فهرستی از حقوق ذاتی، جهان‌شمول و ضروری است که شروط لازم برای برآوردن نیازهای اساسی انسان می‌باشند. به دلیل ذات‌واری و جهان‌شمولی حقوق بشر است که این مجموعه حقوق به تمام افراد بشر به حکم انسان بودن و بدون در نظر داشت تعلقات نژادی، جنسی، مذهبی، زبانی و... تعلق می‌گیرند و در هیچ وضع و حالی قابل سلب، تعلیق و تعطیل نیستند. رعایت اصل برابری و منع تبعیض در برخورداری شهروندان از حقوق بشر، از اصول مسلم این دسته حقوق تلقی می‌شود.

به تعبیر قوانین داخلی افغانستان، حقوق بشر عبارت است از حقوق و آزادی‌های اساسی اتباع که در قانون اساسی، اعلامیه‌ها، میثاق‌ها، قراردادها، پروتکل‌ها، و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر که افغانستان به رعایت و تطبیق آن متعهد است، تسجیل گردیده باشد. دسترسی مساوی و عادلانه به بیمه‌ها، تأمینات و خدماتی که دولت ارائه می‌دارد، نیز از جمله حقوق بشری افراد محسوب می‌گردد.^۳

حقوق حیات، حق آزادی و امنیت شخصی، حق کرامت انسانی، حق آزادی بیان، حق آزادی عقیده، حق آزادی تشکیل اجتماعات، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق کار، حق ملکیت، حق آزادی گشت‌وگذار، حق تابعیت، حق آزادی ازدواج و تشکیل خانواده، حق آموزش، حق صحت، حق مراحل قانونی، حق سطح مناسب زندگی و حق مسکن مناسب، از مصادیق برجسته حقوق بشر است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق مهم بین‌المللی حقوق بشر (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) تسجیل گردیده است.

گفتار دوم: اسناد بین‌المللی حقوق بشر

آشنایی با اسناد و معاهدات مهم بین‌المللی حقوق بشر برای تحقیق حاضر یک امر ضروری و لازم می‌باشد. با توجه به این نکته، تلاش صورت گرفته است که در این مبحث عمده‌ترین و مهم‌ترین اسناد و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر به صورت خلاصه و مختصر به معرفی گرفته شود تا زمینه را برای ورود به مباحث اصلی تحقیق مساعد سازد.

^۲. دکتر حسین شریفی طرازکوهی، حقوق بشر (ارزشها و واقعیتها)، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۹۶

^۳. وزارت عدلیه، قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، شماره نشر: ۱۶، تاریخ نشر: ۱۳۸۴، ماده ۴

اول) منشور سازمان ملل: در پایان جنگ دوم جهانی در ژوئن ۱۹۴۵، کنفرانس سانفرانسیسکو آمریکا برای بحث پیرامون تشکیل سازمان ملل متحد تشکیل شد و در پایان کنفرانس مزبور در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، منشور ملل متحد که بر مبنای آن سازمان ملل ایجاد شد، به امضاء رسید.

ماده ۱ منشور ملل متحد، مقاصد و اهداف سازمان ملل را در چهاربند بیان می‌کند؛ و بند ۳ آن به این شرح است: «حصول همکاری بین‌الملل در حل مسائل بین‌الملل که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستانه است و در پیشبرد، تشویق و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب»^۴ با توجه به اینکه منشور ملل متحد از اولین اسناد بین‌المللی است که به حقوق بشر به صورت جدی پرداخته است، می‌توان این سند را یکی از اسناد مهم و بنیادی بین‌المللی در عرصه حقوق بشر تلقی نمود.

دوم) اعلامیه جهانی حقوق بشر: تنظیم و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ قوس ۱۳۲۷) بارای مثبت ۴۸ دولت از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل، طی قطعنامه شماره ۲۱۷ به تصویب رسید. هیچ رأی مخالفی وجود نداشت ولی رأی ۸ دولت ممتنع بوده که عبارت بودند از: بیلوروس، چکسلواکی، لهستان، عربستان سعودی، جمهوری اوکراین، اتحاد شوروی، یوگسلاوی و آفریقای جنوبی.

هدف و مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان تفاهم مشترک ملت‌ها در مورد حقوق و آزادی‌های اساسی انسان که همواره باید مورد توجه قرار گیرد، آموزش داده شود و به آن عمل شود، توصیف شده است رئیس وقت مجمع عمومی سازمان ملل پس از تصویب اعلامیه، اظهار داشت: «پذیرش این اعلامیه با اکثریتی بزرگ، بدون هیچ‌گونه مخالفت مستقیم، خود دستاورد قابل ملاحظه‌ای است و میلیون‌ها نفر مرد و زن و کودک در سراسر جهان، از آن کمک، راهنمایی و الهام خواهند گرفت.»

اعلامیه جهانی حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است. مقدمه، هدف از تصویب اعلامیه و قلمرو مفاد آن و فراگیر بودن آن را بیان می‌دارد. مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر مشتمل بر دو نوع حقوق است که

^۴ . دکتر حسین مهرپور، نظام بین‌الملل حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۹۰، ص ۳۷ و ۳۸

عبارت‌اند از: حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز حاوی بیان محدودیت‌های مربوط به اعمال این حقوق و آزادی‌هاست.^۵

سوم) **میثاق بین‌الملل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی:** همزمان با تهیه اعلامیه جهانی حقوق بشر، اقداماتی نیز برای تهیه کنوانسیون در زمینه حقوق بشر صورت گرفت. پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل از کمیسیون حقوق بشر خواست که تهیه پیش‌نویس میثاق حقوق بشر و پیش‌نویس اقدامات اجرایی آن را در اولویت کار خود قرار دهد.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مشتمل بر ۳۱ ماده و یک مقدمه، در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ طی قطعنامه ۲۲۰۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. طبق ماده ۲۷ پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل، میثاق لازم اجرا خواهد شد. وفق ماده مزبور، میثاق در تاریخ ۳ ژانویه ۱۹۷۶ با تودیع سی و پنجمین سند، قدرت اجرایی پیدا کرد. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر، فهرست جامع‌تر و طولانی‌تری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بردارد. این میثاق، حق کار را به رسمیت می‌شناسد.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز طی قطعنامه شماره ۲۲۰۰ در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ همراه با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و چون طبق ماده ۴۹ پس از گذشت سه ماه از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق از سوی دولت‌ها نزد دبیر کل سازمان ملل، لازم‌الاجرا می‌شد، در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۷۶ با تودیع سی و پنجمین سند، قدرت اجرایی پیدا کرد.^۶

چهارم) **کنوانسیون بین‌المللی محو هر نوع تبعیض نژادی:** این کنوانسیون در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۶۵ طی قطعنامه شماره ۲۱۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. طبق ماده ۱۹، سی روز پس از تودیع بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل، کنوانسیون قدرت اجرایی پیدا کرد و

^۵. همان، ص ۴۳

^۶. همان، ص ۵۲

هر دولتی که بعد از تاریخ مزبور آن را تصویب نماید، سی روز پس از تودیع سند الحاق یا تصویب برایش لازم‌الاجرا است. کنوانسیون یادشده با توجه به تحقق شرط مندرج در ماده ۱۹ در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۶۹ قدرت اجرایی پیدا کرد. در ماده ۱، تبعیض نژادی موردنظر کنوانسیون تعریف شده است. بند یک ماده مزبور مقرر می‌دارد: اصطلاح «تبعیض نژادی» از نظر این کنوانسیون به معنای هرگونه تبعیض، محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و نصب، یا ریشه ملی یا قومی است که در شناسایی، برخورداری یا اجرای مساوی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه‌های مربوط به زندگی عمومی لطمه وارد می‌سازد.

و در ماده ۴، دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد هرگونه تبلیغات یا سازمان‌های مبتنی بر تفکر و تئوری برتری یک نژاد یا گروهی از انسان‌های متعلق به یک رنگ یا قومی خاص را محکوم نموده و اقدامات فوری و مثبت برای از بین بردن این تئوری‌ها و اعمال را انجام دهند و بدین منظور، باید هرگونه تبعیض نژادی یا تبلیغ برای آن را طبق قانون، جرم قابل مجازات اعلام نمایند و سازمان‌ها و تبلیغات سازمان‌یافته مربوط به تبعیض نژادی را غیرقانونی اعلام کند.^۷

پنجم) کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده: کنوانسیون مزبور در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ طی قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. طبق بند ۱، ماده ۲۷، سی روز پس از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل، کنوانسیون لازم‌الاجرا خواهد شد و با تحقق شرط مزبور، کنوانسیون در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ قدرت اجرایی پیدا کرد است.

ماده یک میثاق، شکنجه را از نظر کنوانسیون تعریف کرده است؛ «عبارت «شکنجه» (Torture) از نظر این کنوانسیون به هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه شخص به‌منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او از شخص ثالث اعمال شود، اطلاق می‌گردد. همچنین تنبیه کردن شخصی به خاطر عملی که او یا شخص ثالثی انجام داده یا احتمال می‌رود انجام دهد، یا تهدید و یا اجبار او یا شخص ثالث، تنبیه شخص به هر دلیلی بر مبنای تبعیض از هر نوع آن، شکنجه تلقی می‌شود»

^۷ همان، ص ۸۳

در بند ۲ ماده ۲ پیش‌بینی شده که هیچ وضعیت استثنایی و فوق‌العاده از قبیل جنگ، بی‌ثباتی سیاسی داخلی و هرگونه وضعیت اضطراری دیگر، نمی‌تواند موجب تجویز شکنجه شود. دستور مقام مافوق نیز نمی‌تواند توجیه‌کننده عمل شکنجه باشد و شکنجه‌گر مسئول عمل خویش می‌باشد.^۸

ششم) کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان: کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ با گذشتن سی روز از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب لازم‌الاجرا شد.

مسئله تساوی زن و مرد از جهات مختلف و رفع هرگونه تبعیض بین آنان در برخورداری از مواهب زندگی و حقوق اجتماعی و سیاسی در همه اسناد حقوق بشری سازمان ملل، از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته است؛ با این حال، طرفداران تساوی کامل حقوق زن و مرد، این اسناد بین‌المللی را در مورد تأمین حقوق مساوی زنان و زدودن هر نوع تبعیض علیه آنان کافی ندانستند؛ بنابراین در مقدمه کنوانسیون با یادآوری وجود اسناد مزبور و با اشاره به قطعنامه‌ها، اعلامیه و توصیه‌نامه‌های پذیرفته شده از سوی سازمان ملل و دیگر سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل در ارتباط به با ارتقای تساوی حقوق زنان و مردان، ابراز نگرانی شده که « به‌رغم همه این اسناد و ابزارهای مختلف، تبعیض گسترده علیه زنان ادامه دارد» بنابراین، به این فکر افتادند که برای تضمین رعایت حقوق زنان و تساوی آن‌ها، ابزار قوری تر، مقررات و ضوابط روشن‌تر و سند تعهدآور محکم‌تر لازم است، از این رو مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۷ نوامبر سال ۱۹۶۷ اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان را در یک مقدمه و ۱۱ ماده به تصویب رساند.

ماده ۲ کنوانسیون به صورت کلی و عمومی، تعهدات و الزاماتی را که دولت‌ها با پیوستن به کنوانسیون به عهده می‌گیرند، به این شرح بیان کرده است: « دولت‌های عضو، تبعیض علیه زنان را به هر شکل محکوم

^۸. همان، ص ۹۶

می‌نمایند و موافقت می‌نمایند بدون درنگ، به طرق مقتضی، سیاست رفع تبعیض علیه زنان را تعقیب نمایند.^۹

هفتم) کنوانسیون حقوق کودک: کنوانسیون حقوق کودک در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به اتفاق آراء از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت و در معرض امضای دولت‌های قرار گرفت. تنها در نخستین روز که برای امضاء گذاشته شد (۲۶ ژانویه ۱۹۹۰) ۶۱ دولت آن را امضاء کردند. طبق ماده ۴۹، سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل، کنوانسیون قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد و کشورهای که بعد از آن تاریخ به کنوانسیون می‌پیوندند، سی روز پس از تودیع سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل، کنوانسیون برای آن‌ها لازم اجرا می‌شود.

با هر حال، کنوانسیون حقوق کودک در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ قابل اجرا شد. تا نوامبر سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۱۹۲ کشور به آن پیوسته‌اند. دولت آمریکا که در ۱۶ فوریه ۱۹۹۵ آن را امضاء نموده، هنوز کنوانسیون مزبور را تصویب نکرده است.

کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده است و در سه بخش بیان شده؛ بخش اول که بیشترین مواد کنوانسیون (از ماده ۱ تا ۴۱) به آن اختصاص یافته، به تعریف کودک و انواع حقوق و تعهد دولت‌های عضو برای رعایت ای می‌پردازد، بخش دوم (از ماده ۴۲ تا ۴۵) به میکانیزم اجرایی و نظارتی کنوانسیون پرداخته و چگونگی تشکیل و ترکیب و نحوه عمل کمیته حقوق کودک را بیان می‌دارد؛ و بخش سوم (از ماده ۴۶ تا ۵۴) متکفل بیان نحوه امضاء، تصویب و الحاق به کنوانسیون و اعلام حق شرط و خروج از کنوانسیون است.^{۱۰}

مبحث دوم: حقوق بین‌المللی بشر دوستانه

تعریف حقوق بشردوستانه نیز همانند حقوق بشر، متعدد بوده و تعاریف زیادی از آن صورت گرفته است که در این قسمت به بررسی مختصری آن می‌پردازیم.

^۹ همان، ص ۱۰۹

^{۱۰} همان، ص ۱۳۵

گفتار اول: تعریف حقوق بشردوستانه بین المللی

حقوق بین المللی بشردوستانه از طرفی شاخه ای از حقوق بشر است و از طرف دیگر شاخه یا بخشی از حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات بین المللی است. حقوق بین المللی بشردوستانه بنا به تعریف، مجموعه قواعد حقوقی بین المللی است که ضمن تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها در مخاصمات مسلحانه اعم از بین المللی یا غیر بین المللی، تکالیف کشورها در آن مخاصمات را نیز روشن می کند. در واقع، حقوق بشردوستانه، حقوق انسانی زمان جنگ است.^{۱۱}

این حقوق لازم الرعایه در زمان جنگ و درگیری مسلحانه، از یک سو ماهیت حقوق بشری دارد؛ زیرا رعایت آن بدون توجه به رنگ، نژاد، زبان و مذهب و ملیت مورد نظر است و از سوی دیگر، چون با انعقاد قرار داد و تصویب کنوانسیون های بین دولتهای مختلف لازم الرعایه می گردد و تلاش می شود برخی از مقررات آن جنبه عرف بین المللی پیدا کند، ماهیت حقوق بین المللی داشته و می تواند به عنوان شاخه ای از آن مورد بحث قرار گیرد. شاید بتوان گفت که حقوق بشردوستانه نوع خاصی حقوق بشر است و به طور اختصار آنرا به عنوان: "ابزار حقوق بشری جنگ" تعریف کرد و گفت؛ شاخه ای از حقوق بشر است که در منازعات مسلحانه بین المللی و در برخی اوضاع و احوال معین و محدود، در منازعات مسلحانه داخلی مورد استفاده قرار می گیرد.

باتوجه به این نکته برخی، حقوق بشردوستانه را این گونه تعریف کرده اند؛ اصول و قواعدی که استفاده از خشونت را در دوران منازعات مسلحانه محدود می کند و هدف از آن عبارت است از: حمایت از اشخاصی که مستقیماً درگیر در جنگ نیستند یا دیگر درگیر نیستند، یعنی زخمیها، بیماران، کشتی شکسته گان، اسرا و افراد غیر نظامی و محدود کردن آثار خشونت در جنگ، به دستیابی به اهداف جنگ (یعنی پرهیز از انتقام گیری و اذیت و آزاری که تاثیری در اهداف جنگ ندارد).^{۱۲}

^{۱۱}. دکتر مهدی ذاکریان، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم ۱۳۸۸، ص ۱۹۰

^{۱۲}. دکتر حسین مهرپور، نظام بین الملل حقوق بشر، ص ۲۴۶

به تعبیر دیگر، حقوق بشر دوستانه مجموعه ای از قواعد قراردادی یا عرفی بین المللی است که مشخصاً ناظر به رفتار قوای متخاصم در منازعات مسلحانه بین المللی یا غیر بین المللی است؛ بخشی از حقوق بین الملل عمومی که بر استفاده از نیروی مسلح و رفتار با افراد در جریان مخاصمه مسلحانه حکومت می کند.^{۱۳}

مفهوم حقوق بین المللی بشردوستانه در کل جایگزین مفهوم حقوق جنگ یا به طور جامع تر حقوق منازعات مسلحانه شده است. البته همه قواعد جنگ بشردوستانه نیستند. اغلب قواعد "حقوق در جنگ" را می توان دارای ماهیت بشردوستانه دانست، برخلاف قواعد "حقوق جنگ". حقوق جنگ در تنظیم حقوق حاکم بر مخاصمات، در شرایطی اقداماتی را مجاز می شمارد که نمی توان آنها را در طبیعت شان بشردوستانه دانست. آنچه که امروز تحت عنوان حقوق بشردوستانه بین المللی شناخته می شود، شامل دو شاخه از حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه می باشد که عبارت از حقوق لاهه و حقوق ژنو است. حقوق لاهه به ویژه مقررات مربوط به قواعد و آداب جنگ زمینی، حقوق و وظایف متخاصمان را در علمیات نظامی آنها تعیین می کند و حق طرفین را در انتخاب و استفاده از ابزارها و روشها و وسایل آسیب رساندن به دشمن در یک مخاصمه مسلحانه بین المللی محدود می سازد و افراد انسانی و یا اموال و اشیایی را که در درگیری ها مورد آسیب قرار گرفته و یا خواهند گرفت، مورد حمایت قرار می دهد. حقوق ژنو که از قربانیان جنگ حمایت می کند و در پی آن است تا تضمینات لازم را برای پرسنل از کار افتاده نیروهای مسلح و افرادی که در جنگ شرکت ندارد، تدارک نماید، شامل کنوانسیون های ۱۸۶۴، ۱۹۰۶، ۱۹۲۹ و به ویژه ۱۹۴۹ ژنو است.^{۱۴}

گرچه این دو شاخه از حقوق در ابتدا تا حدودی جدا از هم به رشد و توسعه خود ادامه داده اند، اما به تدریج یک نظام مرکب یک پارچه تشکیل دادند که دوپروتکل الحافی ۱۹۷۷ در تحول آن ایفای نقش نموده اند. هدف کلاسیک حقوق بشردوستانه عبارت است از کاستن از میزان رنج افراد در جریان منازعه مسلحانه و محدود ساختن آثار سؤ ناشی از جنگ. اما امروز هدف از حقوق بشردوستانه تأمین احترام به شأن والا و کرامت انسان و تضمین حق حیات و حقوق اساسی بشر و به طور کلی تعمیم هنجارهای حقوق بشری به حقوق بین الملل ناظر بر منازعه مسلحانه و نیز تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی است. پذیرش

^{۱۳}. ناصر قربان نیا، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، نشر سازمان انتشارات، چاپ اول ۱۳۸۷، ص ۴۰

^{۱۴}. همان، ص ۴۱

دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ که حاوی مقرراتی است کاملاً مطابق با قواعد حقوق بشر، در جهت تأمین این هدف صورت گرفته است.

کشورها، افراد، سازمان ملل متحد و احتمالاً دیگر سازمانهای بین الدولی، جنبش های آزادی بخش ملی، شورشیان و کمیته بین المللی صلیب سرخ در مقام خود به عنوان قدرت حامی، تابعان حقوق بین الملل بشردوستان محسوب می گردد. حقوق بشردوستانه برای همه طرفهای یک منازعه مسلحانه الزام آور است. این توافق عمومی وجود دارد که چون هدف حقوق بین الملل بشردوستانه حمایت از افراد است، نمی توان یک کشور را به سبب نقض قاعده الزامی منع توسل به زور از منافع و امتیازات آن محروم ساخت.^{۱۵}

گفتار دوم: اصول و قواعد حقوق بین المللی بشردوستانه

الف) اصول حقوق بین الملل بشردوستانه: قواعد حقوق بین المللی بشردوستانه بر مبنای یک سلسله اصول طراحی شده و در چاقوب آن اعمال می شود. این اصول که ریشه در اصل کرامت انسانی دارند، جهان شمول بوده و حمایت از آن هدف اصلی حقوق بین الملل بشردوستانه است.

اصل محدودیت: حقوق بشردوستانه برای اینکه دولت ها را به جنگ انسانی ملتزم نماید، از آغاز بر محدودیت در کاربرد سلاحها به عنوان وسیله جنگی و روشهای جنگی تکیه نموده و این آزادی عمل را تعدیل و محدود نموده است.

از آنجائیکه تنها هدف مشروعی که دولتها باید در انجام و اجرای آن در طی جنگ، برای آن تلاش نماید، ضعیف کردن نیروی نظامی دشمن، توقف دادن توان جنگی دشمن و خارج کردن رزمنده از حالت جنگ و توان ادامه کارزار است، بنابر این صلاحیت دولت های متخاصم در اتخاذ ابزارها و روشهای آسیب رسان به دشمن نامحدود نیست و حقوق جنگ هیچ گونه آزادی نامحدود برای ایراد صدمه به دشمن را به رسمیت نمی شناسد.

اصول ضرورت نظامی و تناسب: در جنگ هر متخاصمی تنها می تواند تا آن اندازه و به گونه ای زور را به کارگیرد که برای شکست دشمن ضروری است. بنابر این آنان باید از هرگونه ایراد خسارت نامتناسب بابتی نظامی مورد نظر، خودداری ورزنند.

^{۱۵}. همان، ص ۴۲

ضرور نظامی، آنچنان که در نزد ملت های متمدن شناخته شده است، عبارت است از ضرورت آنگونه اقداماتی است که برای تضمین نیل به اهداف جنگ، حتمی و لازم بوده و مطابق با حقوق و رویه های مدرن جنگ، مشروع اند.

اصل تفکیک: اصل تفکیک نیز تنظیم کننده نحوه استفاده از تسلیحات در درگیری های مسلحانه است. به طور کلی یکی از اهداف حقوق بین الملل بشردوستانه، حمایت از جمعیت های غیر نظامی و تأمین مصئونیت آنان از این طریق در برابر حملات کور و بی هدف است. اصل تفکیک دولتها را ملزم می دارد که بین نظامیان و غیر نظامیان از یک سو و اهداف نظامی و اهداف غیر نظامی از سوی دیگر، تمایز قایل شوند و تنها اهداف نخست را مورد حمله قرار بدهند.

اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض: بر مبنای این اصل، همه افراد انسانی صرف نظر از جنسیت، ملیت، نژاد، مذهب و یا عقاید سیاسی خودشان شایسته و سزاوار بهره مند شدن از رفتار انسانی می باشند.

ب) قواعد اساسی حقوق بین المللی بشردوستانه: کمیته بین المللی صلیب سرخ قواعد اساسی حقوق بشردوستانه بین المللی در درگیری های مسلحانه به شرح زیر خلاصه کرده است، این قواعد اساسی، چکیده و خلاصه مقررات مربوط به کنوانسیون های بین المللی در خصوص حقوق بشردوستانه می باشد:

۱. افراد ناتوان از جنگ و کسانی که نقش مستقیمی در درگیری ها ندارند، از این حق برخوردار اند که جان و تمامیت اخلاقی و جسمی آنان محفوظ بماند. تحت هر شرایطی از آنان مراقبت به عمل آمده و بی هیچ تبعیضی، با آنان رفتار انسانی صورت گیرد.

۲. کشتن یا مجروح کردن دشمن تسلیم شده یا ناتوان از جنگ ممنوع است.

۳. هریک از طرفین درگیر، باید مجروحان و بیماران تحت اختیار خویش را جمع آوری نموده مورد مراقبت قرار بدهند. کارکنان، مؤسسات، وسایل نقلیه و تجهیزات بهداشتی نیز از حمایت برخوردارند. علامت صلیب سرخ یا هلال احمر، نشانه چنین حمایتی است و باید محترم شمرده شود.

۴. رزمندگانی که به اسارت درآمده اند و نیز غیرنظامیانی که تحت سلطه دشمن قرار گرفته اند، از این حق برخوردارند که حیات، کرامت، حقوق فردی و باورهای آنان محترم شمرده شود. آنان باید در برابر تمامی اقدامات خشونت بار و تلافی جویانه محافظت گردیده و از حق نامه نگاری با خانواده های خود و دریافت کمک برخوردار باشند.

۵. تمام افراد از این حق برخوردارند که از تضمینات قضایی اساسی بهره مند گردند. هیچ کس نباید مسئول عملی قلمداد شود که مرتکب نشده است. هیچ کس نباید در معرض شکنجه جسمی یا روانی، مجازات بدنی یا رفتار بی رحمانه یا مؤهن قرار گیرد.
۶. طرفین درگیری و اعضای نیروهای مسلح آنها از اختیارات نامحدود در به کارگیری شیوه‌های جنگی‌ای که ماهیتاً تلفات غیر ضروری یا رنج بیش از حد به جای می‌گذارند، برخوردار نیستند.
۷. طرفین درگیری باید همواره میان افراد غیر نظامی و رزمندگان تمایز قایل شوند تا به اموال و افراد غیر نظامی آسیبی نرسد. سکته غیر نظامی و افراد عادی نباید هدف حمله قرار گیرند. حملات باید منحصراً متوجه اهداف نظامی باشد.^{۱۶}

گفتار دوم: اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر دوستانه

امروزه منبع اصلی حقوق بشر دوستانه، چهار کنوانسیون، معروف به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو هستند. این چهار کنوانسیون که بعضی از آنها بسار مفصل و بالغ بر ۱۵۰ ماده و تعدادی ضمیمه دارند، جملگی در تاریخ ۱۲ آگست ۱۹۴۹ به تصویب کنفرانسی که به منظور ایجاد کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حمایت از قربانیان جنگ از ۲۱ آپریل تا ۱۲ آگست ۱۹۴۹ در ژنو تشکیل شد، به تصویب رسیدند و همگی در ۲۱ اکتوبر ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا شدند. براساس مقررات کنوانسیون مزبور، هر کنوانسیون باید به تصویب دولتها برسد و شش ماه پس از تودیع حداقل دو سند تصویب از سوی دو دولت، کنوانسیون لازم‌الاجرا خواهد شد.

دو پروتکل الحاقی به این کنوانسیونها نیز بعداً تصویب شدند که یکی مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی و دیگری مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی است. هردوی این پروتکلها در تاریخ ۸ جون ۱۹۷۷ به تصویب کنفرانس دیپلماتیک ژنو در مورد تأیید مجدد و توسعه قوانین بین‌المللی بشر دوستانه قابل اجرا در منازعات مسلحانه رسیدند و در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شدند. شرط لازم اجرا شدن این دو پروتکل نیز تودیع حداقل دو سند تصویب از سوی کشورها

^{۱۶} کریانگ ساک کیتی شیایزی، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان، نشر سمت، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۵۱

ذکر شده است.^{۱۷} در این مجال نگاهی گذرا و اجمالی به کنوانسیونها و پروتکل های ژنو خواهیم داشت و از بیان مفصل محتوا و احکام آن خود داری می کنیم.

اول) کنوانسیونهای ژنو: کنوانسیونهای چهارگانه ژنو از اسناد مهم مربوط به حقوق بین المللی بشردوستانه است که در این قسمت به معرفی گرفته می شود. عناوین کامل کنوانسیونهای چهارگانه ژنو عبارت است از:

۱. کنوانسیون ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران نیروهای مسلح در جنگ زمینی
 ۲. کنوانسیون ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در جنگ دریایی
 ۳. کنوانسیون ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی
 ۴. کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از افراد غیر نظامی در دوران جنگ
- چنانکه گفتیم، همه این چهار کنوانسیون در یک تاریخ (۱۲ آگست ۱۹۴۹) تصویب در یک تاریخ (۲۱ اکتبر ۱۹۵۰) لازم الاجرا شدند. اغلب کشورهای عضو سازمان ملل به این کنوانسیونها ملحق شدند. شاید هیچ سند حقوق بشری بین المللی به اندازه این کنوانسیونها عضو نداشته باشد. (البته به غیر از کنوانسیون حقوق کودک که به نظر می رسد بیش از هر سند حقوق بشری عضو دارد). امروز بخش عمده ای از مقررات کنوانسیونهای ژنو، وضعیتی در حد حقوق عرفی بین المللی پیدا کرده اند و بنابر این حتی برای دولتهای غیر عضو هم الزام آور محسوب می شوند. چهار کنوانسیون، مواد مشترکی دارند که البته هرکدام برخی مقررات ویژه هم برای اعمال در موارد خاص خود دارا می باشند.^{۱۸}

دوم) پروتکل ها: دو پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ژنو در ۸ جون سال ۱۹۷۷ به منظور توسعه و تکمیل مقررات بشردوستانه در ارتباط با جنگهای بین المللی و جنگ های غیر بین المللی تصویب و هردو در ۷ دسامبر ۱۹۷۸ لازم الاجرا شدند. عنوان کامل پروتکل شماره ۱ " پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ۱۲ آگست ۱۹۴۹ ژنو و مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین المللی " و عنوان کامل پروتکل شماره ۲ " پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ۱۲ آگست ۱۹۴۹ ژنو و مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه

^{۱۷}. دکتر حسین مهرپور، نظام بین الملل حقوق بشر، ص ۲۵۱

^{۱۸}. همان، ص ۲۵۳

غیر بین المللی^{۱۹}، می باشد. هردو سند از سوی کنفرانس دیپلماتیک ژنو در زمینه تأیید مجدد و توسعه حقوق بشردوستانه قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه، تصویب شده است.^{۲۰}

^{۱۹}. یک درگیری مسلحانه در صورتی بین المللی است که میان دو یا چند کشور رخ بدهد. اما درگیری مسلحانه غیر بین المللی یا داخلی، یک درگیری مسلحانه طولانی مدت میان مقامات دولتی و گروه‌های مسلح سازمانیافته یا میان این قبیل گروه‌ها با یکدیگر در درون یک کشور است.

^{۲۰}. همان، ص ۲۶۰

فصل دوم

رابطه حقوق بشر با حقوق بشر دوستانه

در فصل دوم تحقیق حاضر، تلاش صورت گرفته است تا با توجه به مباحث فصل اول، رابطه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با دقت لازم تبیین و تشریح گردد. با توجه به اینکه تحقیق حاضر گنجایش بحث مبسوط و عمیق در این زمینه را ندارد، بنابر این سعی شده است که به صورت مختصر نکات کلیدی و مهم مطرح در این زمینه از منابع معتبر علمی و همچنان اسناد بین المللی مربوطه شناسایی گردیده و مورد و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این فصل ابتداء وجوه مشترک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و سپس تفاوت های آنرا مورد بررسی قرار می دهیم.

مبحث اول: مشترکات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

آنگونه که در فصل اول تحقیق یاد آوری شد، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه رابطه نزدیک و پیوند ناگسیستنی باهم دارند و مکمل هم هستند. زیرا حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نوین، هردو نظامهای حقوقی و بخشی از حقوق بین الملل عمومی هستند و عناصر و آداب اخلاقی مهم مشترک دارند. این دو نظام حقوقی بین المللی اغلب اهداف و آمال یکسانی دارند. هدف اولیه آن توسعه و حمایت از حقوق بشر در هر شرایطی در تمام انواع منازعه و کشمکش است. حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، بجای رقابت یا ایفای نقش های متضاد در ارتباط با یکدیگر باید در کنار هم کارکنند تا از قربانیان منازعه حمایت نمایند.

برای مثال عملیات نیروهای آمریکایی در هائیتی را در نظر بگیرید. گرچه معاهدات ژنو در مورد این عملیات قابل اعمال نبود، نیروهای آمریکایی در هائیتی به تعهدات ایالات متحده براساس میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقید بودند. یا اگر در یک شرایط منازعه فرضی مواد میثاق در اثر عدول از آن به حالت تعلیق در آمده باشند، حمایت عدول ناپذیر از اسناد بشردوستانه باید همچنان اعمال گردد.^{۲۱}

^{۲۱}. دانیل وارنر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مترجم: دکتر سلاله حبیبی امین، نشر انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و

برنامه عمران ملل متحد، سال ۱۳۸۲، ص ۱۵۵

آنگونه که تصریح شد، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه مبانی و ریشه های مشترک و مشابهی دارد؛ کرامت انسانی را می توان مهم ترین مبنای نظام بین المللی حقوق بشر و حق های مندرج در قواعد بشردوستانه دانست. به عبارت دیگر در مهمترین مبنای، میان قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اشتراک مهمی را شاهدیم. اگر حق های بشری که در نظام بین الملل حقوق بشر وجود دارد برپایه کرامت انسانی توجیه پذیر است، دقیقاً برپایه همین کرامت انسانی، حق های مندرج در قواعد بشردوستانه توجیه می گردد و از همین روست که بر کرامت انسانی در اسناد بین المللی حقوق بشر و بشردوستانه به کرات تأکید شده است.^{۲۲}

پاره ای از اندیشمندان تأکید دارند که عقیده کرامت بشر اساس ایده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است؛ حرمت و کرامت انسان حقی مطلق و خدشه ناپذیر است که تجاوز به آن را به هیچ روی؛ نه به نام نظم عمومی و نه به هیچ بهانه ای دیگری نمی توان جایز دانست. حتی از حق حیات نیز برتر است، چه آنکه حق حیات استثنا بردار است، چنانکه کشتن کسی در حالت دفاع مشروع، موجب مسئولیت نمی شود. اما حق حرمت و کرامت انسان استثنا نمی پذیرد و تجاوز به آن در هیچ حالتی روا نیست. مثلاً شکنجه کردن انسان که اهانت به کرامت اوست، نه در زمان صلح و نه در زمان جنگ، مشروع به شمار نمی آید.^{۲۳}

اصل کرامت انسانی در اسناد متعدد بین المللی مربوط به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مورد تأکید قرار گرفته است؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۲۴}، میثاق بین المللی حقوق مدنی^{۲۵} و سایر اسناد بین الملل مربوط به حقوق بشر به صورت موکد کرامت انسانی را مورد توجه قرار داده و بر دولت های عضو تکلیف نموده است که این اصل انسانی و حق بشری را رعایت نموده و مورد حمایت قرار بدهد.

به همین ترتیب در کنوانسیون های چهارگانه ژنو که مهمترین اسناد بین المللی در زمینه حقوق بین المللی بشردوستانه است، ماده سه مشترک این کنوانسیون ها، هرگونه هتک حرمت اشخاص، رفتار و برخورد

^{۲۲}. ناصر قربان نیا، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، ص ۸۵

^{۲۳}. همان، ص ۸۶

^{۲۴}. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، ماده ۱

^{۲۵}. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۴۸، مقدمه و سایر مواد

تحقیر آمیز و خوار کننده، شکنجه و سایر اعمالی که کرامت انسانی اشخاص را نقض نموده به حرمت و حیثیت انسانی آن آسیب برساند، ممنوع اعلام نموده است.^{۲۶}

در عین حال ماده ۷۵ پروتکل اول و ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو، اهانت به کرامت و حیثیت انسانی، بویژه رفتار تحقیر آمیز و خوارکننده، زنا به عنف، فحشای اجباری و هرگونه تعرض بی شرمانه توسط هرکس و در هر زمان و مکان را ممنوع قرار داده است.^{۲۷}

در ادامه وجوه مشترک بین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به حمایت از انسان و انسانیت به عنوان پایه اساسی تعهد در هردو نظام، می پردازیم. حمایتی بودن، محور معاهدات حقوق بشر و بشردوستانه است. این دو در این نقطه مشترک بوده و کارکرد اصلی آن حمایت از انسان و حقوق و آزادی های بنیادین فردی می باشد. حمایت از حقوق فردی در مقابل نقض احتمالی این حق ها توسط دولت متبوع فرد، افراد دیگر و یا دولت های دیگر نقطه محوری و اصلی معاهدات حقوق بشری است، در نظام حقوق بشردوستانه نیز ملاحظات انسانیت پایه تمام قواعد هستند.

اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه به خوبی روشن می سازد که چگونه اصول انسانیت و حمایت از انسان پایه نهایی تعهد این نظام حقوقی است؛ اصل نهی از پیگیری اهداف نظامی و شیوه های غیر انسانی در جنگ، اصل تفکیک و تمایز (ایمنی غیر رزمندگان)، اصل تناسب، اصل احتیاط و اصل تحدید تسلیحات یا اصل ممنوعیت استفاده از سلاحهایی که درد و رنج زائد و غیر ضروری تولید می کند، رفتار انسانی با دشمن در هنگام جنگ، حمایت از زنان و کودکان، رفتار انسانی با اسیران جنگی^{۲۸} و غیره از اصول و قواعدی مربوط به حقوق بشردوستانه است که به منظور حمایت از انسان و انسانیت وضع گردیده و طرفهای منازعات مسلحانه را ملزم به رعایت آن کرده است. به همین ترتیب موازین حقوق بشر نیز به منظور حمایت از انسان و آزادی های اساسی او طرح و شناسایی گردیده است که در تمام اسناد بین المللی حقوق بشر می توان آنرا به وضاحت تمام مشاهده و مطالعه نمود.

^{۲۶}. کمیته بین المللی صلیب سرخ، قراردادهای بین المللی ژنو، مصوب ۱۲ آگست ۱۹۴۹، ماده ۳ مشترک

^{۲۷}. کمیته بین المللی صلیب سرخ، پروتکل اول و دوم الحاقی به کنوانسیون های ۱۹۴۸ ژنو، مصوب ۱۹۷۷، ماده ۷۵ پروتکل اول و ماده ۴ پروتکل

دوم الحاقی

^{۲۸}. ناصر قربان نیا، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، صفحات: ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲

مبحث دوم: تفاوت های حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

مباحث پیش گفته ما را به این موضوع اصلی می رساند که چه تفاوتی میان حقوق بشردوستانه بین المللی و حقوق بشر بین المللی وجود دارد؟ آیا پاسخ در نوع شرایطی که این دو شاخه حقوق بین الملل بر آن حاکم است، نهفته نیست؟ با وجود تلاقی فزاینده این دو حقوق، هنوز میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه شکاف زحمت آفرینی در وضعیت های مبهم وجود دارد. یعنی در جایی که به خاطر ضرورت از حقوق بشر قابل اعمال عدول شده است، اسناد حقوق بشر دوستانه نیز به طرز بحث بر انگیزی از قابلیت اعمال برخوردار نیستند. بنابر این حقوق بشر و حقوق بشردوستانه هم ریشه های حقوقی مشابه و هم متفاوت دارند. قوانین حقوق بشر بر پایه اصل انسانیت قرار دارند که حقوق بشردوستانه بین المللی را در خود مستتر دارد. حقوق بشردوستانه بین المللی از ریشه های مضاعف دیگری نیز رشد یافته است، بخصوص از تنش میان اصل انسانیت و ضرورت نظامی. وجود این واقعیت که حقوق بشردوستانه بین المللی بر شرایطی حاکم است که مشخصه آن منازعه مسلحانه داخلی یا بین المللی می باشد، دو تأثیر عمده دارد که در ارتباط متقابل بایکدیگر قرار دارند. از یک سو حقوقی که در چنین شرایطی اعمال می شود باید تعهداتی را که می بایست از سوی متخاصمین رعایت شود، به وضوح بیان کند. از سوی دیگر، طریقه نظارت بر اعمال قواعد مربوطه باید با چنین شرایطی تطبیق داده شود.^{۲۹}

البته باید به رابطه میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به طول واقع بینانه بنگریم. این علی رغم مشترکات فراوان، متفاوت از هم هستند و از بسیاری جهات، متفاوت هم باقی خواهد ماند. تظاهر به اینکه حقوق بشردوستانه بین المللی و حقوق بشر یکی هستند، هیچ معنایی ندارد. حقوق بشردوستانه، اجازه کشتن قانونی دشمن - حتی در مقاس وسیع - وحتى غیر نظامیان را در برخی شرایط می دهد. این حقوق، اقدامات مختلف محروم سازی از آزادی را مجاز می سازد که در قوانین حقوق بشر پذیرفته نشده اند.^{۳۰}

امروزه به خاطر گسترش منازعات مسلحانه داخلی، نظام قوانین حقوق بشر بین المللی که متشکل از قوانین و یک یا چند مکانیزم برای نظارت بر اعمال آن می باشد، به نزدیکتر شدن به حقوق بشردوستانه بین المللی گرایش یافته است. لذا بسیاری از شرایطی که رکنی چون کمیسیون حقوق بشر به آن می پردازد، اعمال

^{۲۹}. دانیل وارنر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، ص ۲۰۲

^{۳۰}. همان، ص ۱۵۵

قواعد بشردوستانه را می‌طلبد. از سوی دیگر، راههای کنترل شبه قضایی که توسط قوانین حقوق بین المللی بشر ایجاد شده است، با بازدید از محل، بازدید از اماکن زندانها، اعمال نظارت بر حقوق بشر با استفاده از روشهای که اغلب از کمیته بین المللی صلیب سرخ الگو برداری شده و امثال آن، تکمیل گردیده اند.

نتیجه گیری

به توجه به نکات پیش گفته می‌توان نتیجه گیری نمود که حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مکمل یکدیگراند. هر دو نظام براساس کرامت انسانی بنا یافته و در پی حمایت از فرد انسان و حقوق بنیادین او هستند. اما صرفاً این حمایت را در زمینه ها و شرایط متفاوت و به شیوه ها و اشکال مختلف انجام می‌دهند. حقوق بشر همواره در همه شرایط اعم از جنگ و صلح از افراد حمایت می‌کند و فرد انسان در تمام حالات، اعم از جنگ و صلح باید از آن برخوردار باشد. موازین حقوق بشر سعی بر حمایت از افراد در برابر موارد نقض حقوق بشر از سوی دولت‌هاست و دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا حقوق افراد را رعایت نموده و راستای حمایت و توسعه آن مسئولیت‌ها و تعهدات ملی و بین المللی خود را ایفاء کنند. بنابراین حقوق بشر در زمان جنگ نیز لازم‌الاجرا بوده و طرفهای مخاصمات مسلحانه ملزم به رعایت آن هستند. در کنار موازین حقوق بشر و تعهدات طرفهای درگیر در قبال آن، در زمان وقوع درگیری مسلحانه، یک نظام ویژه حقوقی قابلیت اجرا می‌یابد. این سیستم ویژه، حقوق بین الملل بشردوستانه است. که مکمل حقوق بشر بوده و هدف آن، کنترل مخاصمات مسلحانه به نفع حمایت از قربانیان جنگ، افراد ملکی، اسیران جنگی، زخمی‌ها و سایر گروه‌ها و افرادی است که در مباحث قبلی مورد بررسی قرار گرفت. این دسته از قواعد مبانی مشترک با حقوق بشر دارد و رعایت آن موجب حفاظت هرچه بیشتر حقوق بشر می‌گردد.

منابع

۱. ذاکریان، دکتر مهدی، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم ۱۳۸۸
۲. شیایزری، کریانگ ساک کیتی، حقوق بین المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان، نشر سمت، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۱
۳. طرازکوهی، حسین شریفی، حقوق بشر (ارزشها و واقعیتها)، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰
۴. فریمن، مایکل، حقوق بشر، مترجم: محمد کیوانفر، نشر هرمس، چاپ اول ۱۳۸۷
۵. قربان نیا، ناصر، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، نشر سازمان انتشارات، چاپ اول ۱۳۸۷
۶. کمیته بین المللی صلیب سرخ، قراردادهای بین المللی ژنو، مصوب ۱۲ آگست ۱۹۴۹
۷. کمیته بین المللی صلیب سرخ، پروتکل اول و دوم الحاقی کنوانسیون های ۱۹۴۸ ژنو، مصوب ۱۹۷۷
۸. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸،
۹. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۴۸
۱۰. مهرپور، دکتر حسین، نظام بین الملل حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۹۰
۱۱. وارنر، دانیل، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مترجم: دکتر سلاله حبیبی امین، نشر انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و برنامه عمران ملل متحد، سال ۱۳۸۲
۱۲. وزارت عدلیه، قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، شماره نشر: ۱۶، تاریخ نشر: ۱۳۸۴